

• دریافت ۹۴/۰۹/۲۹

• تأیید ۹۴/۱۲/۱

تحلیل چند ویژگی دارمای بودایی

در گفتگوی بودی ستوه و بودا برمبنای یک دستنوشته سغدی

گلشن اسماعیل پور مطلق*

محسن ابوالقاسمی**

چکیده

در مقاله حاضر چند ویژگی دارمای بودایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این ویژگی‌ها از یک متن سغدی بودایی استخراج شده که در بردارنده گفت‌وگوی میان بودا و بودی ستوه است و تحت عنوان قطعه P9 از مجموعه دستنوشته‌های سغدی بودایی کتابخانه ملی پاریس در سال ۱۹۴۰ توسط امیل بنونیست نامگذاری شده است. این قطعه شامل ۱۴۸ سطر بوده و نوشته‌ای استوانه‌ای شکل شامل بخشی طولانی از یک متن نامشخص است. در این مقاله سطرهای ۶ الی ۵۳ از قطعه مذکور که دربرگیرنده گفت‌وگوی بودا و بودی ستوه است انتخاب شده و نگارنده تلاش کرده ضمن قرائت دست‌نوشته و ترجمه آن از اصل زبان سغدی، ویژگی‌های برجسته دارمای بودایی را تحلیل کند.

کلید واژه‌ها:

دارما، بودا، بودی ستوه، متون سغدی، سغدی بودایی.

* دانشجوی دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

Golshane@yahoo.com

** استاد زبان‌های باستانی دانشگاه تهران.

مقدمه

زبان سغدی زبان مردم سغد و مرکز آن سمرقند بوده که از سده ششم تا هشتم پ. م. یکی از کهن‌ترین زبان‌های ایرانی است. این زبان به‌طور کلی از نظر تاریخی و فرهنگی، قریب، یازده زبان سغدی یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که از نظر تعدد و تنوع آثار باقی مانده به عنوان مهم‌ترین زبان ایرانی میانه شرقی مطرح است.

کهن‌ترین منابعی که در آنها از سرزمین و مردمان سغد سخن به میان آمده کتاب اوستا، کتیبه‌های فارسی باستان و نوشته‌های مورخان یونانی‌اند (Sims. Williams, 1989: 171) در هر دو زبان اوستا و فارسی باستان سغد، هم به معنی سرزمین و هم به معنی مردمی که در آن سکونت داشتند به کار رفته است. در سنگ‌نبشته‌هایی که از داریوش و خشایارشا باقی مانده، نام سغد^۲ چندین بار در شمار ایالات شاهنشاهی ایران و اغلب با نام‌های بلخ، خوارزم و هرات که همسایگان نزدیکش بوده‌اند، همراه است. (Kent, 1953: 209) نام سغد در مهر یشت^۳ و در فصل اول وندیداد به صورت محل سکونت سغدی‌ها^۴ دیده می‌شود. (Bartholomae, 1961: 1582)

از زبان سغدی آثار متنوعی باقی مانده است. آثار به دست آمده از این زبان را بر حسب موضوع می‌توان به دو گروه دینی و غیر دینی تقسیم کرد. آثار دینی زبان سغدی که متعلق به پیروان ادیان بودایی، مسیحی و مانوی است از نظر تنوع و حجم، مهم‌ترین بخش ادبیات زبان‌های ایرانی میانه شرقی را تشکیل می‌دهند که از میان آنها ادبیات سغدی بودایی بخش عظیمی از ادبیات سغدی را تشکیل می‌دهد. بیشتر آثار سغدی بودایی در اوایل سده بیستم میلادی در کتابخانه‌ای واقع در معابد تو در توی یکی از غارهای هزاربودای دون هوانگ چین کشف شدند. همان بیست ادبیات حاکم بر متون سغدی بودایی و همچنین اصطلاحاتی که در آنها به کار رفته حاکی از نوعی ادبیات ترجمه‌ای سرشار از واژه‌های فلسفی و احکام مربوط به دین بودا است. این آثار، ترجمه سغدی آثاری‌اند که اصل هندی یا چینی داشته‌اند و مضمون و محتوای آنها بازتابی از اعتقادات کیش مه‌ایانه بودایی است که در آسیای مرکزی و چین پیروان بسیاری داشته است. (همان) تعداد زیادی از این آثار در زمره سوتره‌های هندی^۵، جاتکه‌ها^۶ یا داستان‌های تولد بودا و آودانه‌ها^۷ است که نوعی از داستان‌های روایی هندی هستند. تفصیلی،

از مهم‌ترین آثار سغدی بودایی می‌توان دو کتاب وسستره جاتکه داستان تولد بودا) و سوتره و یادافراه کردار (سوترای علت و معلول کردار) را نام برد. آثار سغدی بودایی به خط سغدی

نوشته شده‌اند. خط سغدی یکی از شاخه‌های فرعی تحریری خط آرامی است که از راست به چپ می‌نویسند. خط سغدی در ایران باستان، ابوالقاسمی،

گسترده‌گی حجم متون سغدی بودایی دلالت بر فعالیت وسیع مترجمان کیش بودایی در دیرهای بودایی در آسیای مرکزی دارد. به‌طور کلی متن‌های سغدی بودایی دارای سبک سنتی آموزشی سوتره‌های هند بر اساس کیش مه‌ایانه ظاهراً توسط شخص بودا نگاشته شده‌اند. این کیش در آسیای مرکزی رواج ویژه‌ای داشته است. مه‌ا در سانسکریت یعنی بزرگ و مهتر و یانه یعنی چرخ. بر پایه آموزه‌های این کیش، انگیزه فرد از پیمودن راه نجات یافتن از رنج‌ها و رسیدن به بیداری شخص و کمک به همه موجودات عالم در راستای این هدف غایی است. (Keown, 2003 38)

بررسی و تحلیل

یکی از خصایص کیش مه‌ایانا، عبادت و پرستش بوداهای آینده است که آنها را بودی‌ستوا یا بودی‌ستوه می‌گویند. بودی‌ستوه مرکب از دو جز بودی^۸ یعنی خرد و عقل و ستوه^۹ یعنی جوهر. به عبارت دیگر، او کسی است که جوهرش خرد و دانایی است. بودی‌ستوه‌ها موجوداتی اساطیری‌اند که از جسم نورانی بوداها بهره‌مندند و در بهشت توشیتا بر تخت مجلل جای گرفته و گروه قدیسان و اولیا گرداگرد آنها نشسته‌اند. آنها پیامبرانی را برای نجات انسان‌ها به زمین می‌فرستند و سرنوشت انسان‌ها دست این خدایان است. انسان باید این موجود بزرگ^{۱۰} را عبادت کند و در مدح و ثنای آنها لب به ستایش بگشاید و اگر خواستار آزادی نیروانا است، باید راه این بودی‌ستوه‌ها را ببیماید و جوهر پاک آنان را در دلش بپروراند. بودی‌ستوه میانجی و واسطه‌ای است که موجبات وصول به مقام نیروانا را فراهم می‌سازد. در کیش مه‌ایانه، طریق رسیدن به نیروانا، پرستش بوداها و عبادت آنهاست. شیایگان،

(آیین بودا در شکل آغازینش به تعیین هیچ یک از جزم‌های خاصی که دین‌گرایان حرفه‌ای عموماً بر آنها تأکید می‌کردند نپرداخت. آیین بودا می‌کوشید تا به آموزه دارما اشاره کند که قانون جاوید راستین یا هنجار پاینده ای است که در همه عصرها برای انسان معتبر است. بنابر تعالیم بودایی، ذات یا حقیقت دین نباید به یک مجموعه خاص آموزه‌ها و اعمال محدود شود. حقیقت کلی و جهانی از باورهای متخاصم فراتر می‌رود و درباره همه کاربرد دارد. بدین ترتیب، آموزه بودایی یک جزم خاص و مستقر نیست؛ بلکه یک فزرانگی یا اخلاق عملی

است که حالت آرمانی انسانیت را به ما مژده می‌دهد. هدف آیین بودا فراتر رفتن از جزم خاص
 هرگز نیست. بلادیشه‌است. پاشایی،

این کلمه طیف گسترده‌ای از معانی ضمنی دارد. اما در آغاز اشاره‌ای بود به قانون بنیادی
 زندگی که برای خدایان، انسان‌ها و جانوران یکسان بود. با کشف این حقیقت، او روشن شده و
 یک تعبیر عمیق درونی را تجربه کرده بود. او در میان رنج زندگی به آرامش و ایمنی دست یافته
 بود. بر این اساس، هرگز نیست. بلادیشه‌است. پاشایی،

لفظ دارما به عنصر حیات و واقعیت اطلاق می‌شود و با دارمای هندو به معنی فضیلت،
 انتظام و غیره کاملاً فرق دارد. مبحث عناصر و حیات رکن اساسی آیین بوداست. کیش بودایی
 در پرتو آیین دارما فرضیه مابعدالطبیعی جهان را بنیان ساخت و جهان را متشکل از تکثر عناصر
 مادی و ذهنی و نیروهایی چند یافت که لطیف و تجزیه ناپذیرند. یگانه واقعیت همین عناصر
 ناپایدار است و این عناصر واقعیت‌های نهانی عالم‌اند. هر ترکیبی که از آنان پدید آید فقط به
 منزله مظهر بی‌بودی است که عناصر چندی را شامل است. هر عنصر یا مقوله، نیروی مجزایی
 است. عناصر بقایی ندارند، هر لحظه، ایجاد و فنا می‌شود. عناصر جدید است و پیوستگی ظاهری
 جهان، همان ظهور پی در پی عناصر جدید در اماکن جدید است. عناصر گردهم می‌آیند و این
 پیوند عناصر یا به عبارت بهتر این همکاری و همراهی و هم‌بودی عناصر، بر سبیل قانون علیت
 است. بر این اساس، هرگز نیست. بلادیشه‌است. پاشایی،

در اینجا آرنوشت و ترجمه سطرهای تا از گفت‌وگوی میان بودا و بودی‌ستوه را
 می‌آوریم که تحت عنوان قطعه P9 از مجموعه دست‌نوشته‌های سغدی کتابخانه ملی پاریس در
 دست‌امیل نویسنده کلماری شده است. این قطعه شامل سطر بوده و نوشته‌ای
 استوانه‌ای شکل شامل بخشی طولانی از یک متن نامشخص است.
 حرف نوشت متن سغدی بودایی:

- (6) ...kδ'βtmyk'mynpwtYKwpryh't
- (7) rkhkw'm'rpr'ystrtywn'kkwm'rpr'ysyδ
- (8) pwt'n'kpryh't'rkhwyntypr'wm'δ'PZY'čw
- (9) ZK pwtYprwt'n'kčšmyw'r'k'k'čδrm'yk ZK
- (10) 'rδ'r'y'mprmw'tδ'r'z'wntwynt ZKZY zwr't
- (11) prw'rtk'wδs'γnt'k'tpnčmyδryγwt'ky'γw'n
- (12) wn'nt'čwγδnywpr'w'γ'ns'ty'r'tptzy'mč
- (13) wn'nt'čwpty'wnt'tny'wntwn'nt wβyw'nγw'y'nt
- (14) 'tnyš'ntč'wnpnčryzpyδ'rγr'yn'ntpr'yδ'nt

- (15)wyt' wrk' wt' y' wnyyk' n' twm' rz' 'm' rδ' nprm
- (16)s' tpwt' n' kprynh' rkhwyntrtyčymyδpyδ' r
- (17)pw' n' kprynh' t' rkhkum' rpr' ysyn' kmrtymy
- (18)γwynty || mskδ' 'stmyk' 'wynpwtyγyδpwrz
- (19)prw' yrtkwm' rypr' ystrtyywn' kkwm' rprysyδ
- (20)pw' n' kprwrzprw' yrtwyntypr' wm' δ' PZYw' r' k
- (21)' k' cδrm' y' rδ' r' y' mprm' čw' 'δprmznkn' n
- (22)w' tδ' r' 'z' wntwynt ZKZY mδy' 'zy' ntwδ' yδ ZY
- (23)myr' ntm' δ' PZY' kwnp' rprw' yrt' ntrty' n(?) s' t
- (24)pw' n' kprwrzprw' yrtwynttyčymyδpyδ' r
- (25)ywn' kpwt' n' kwzrprw' yrtkwm' rpr' ysyn' k
- (26)mrtym' kywynty || mskδ' n' wmykZKwδrm' ykčšmy
- (27)kwm' rpr' ystrtyywn' kyγδrm' ykčšmyγwynt
- (28)pr' wm' δ' PZYZKw' drynt' kr' dyhZK wytmyh
- (29)ZKwynyyn' kwtmy' tZKw' 'trswktmy' PZYZKwh
- (30)wyzt' rγ' 'w' nhδ' wnwyšwr' dyh' 'βzy' 'mrδ' n
- (31)s' tδrm' ykprynhwyntrtyčymyδpyδ' rδrm' yk
- (32)čšmyγwynty || mskδδsm' ykZKwδrm' ykwyt' p' kh
- (33)kwm' rpr' ystnwk' rywn' kkwm' rpr' ysyyδδrm' yk
- (34)wyt' p' khγwyntypr' w' PZY' wy' drynt' kr' dy
- (35)' βš' wšh' twyšwr' dyh' 'trrγ' 'kh' 'βzy
- (36)δ' wntwntr' t' spr' ynčh' twyδβ' mp' kč' δ' wn
- (37)wyspznk' n' rδ' yp' kčs' tkr' n' 'ntyčδrm' yk
- (38)wyt' p' khwyntrtyčymyδpyδ' rywn' kδrm' yk
- (39)wyt' p' khkwm' rpr' 'yt' kmrtym' kywynty || mskδ'
- (40)11 my δrm' ykwnyrkwm' rpr' ystrtyywn' kkwm' r
- (41)pr' ysyyδδrm' ykwnyrpty' wšywyntypr' wm' δ
- (42)' PZYw' r' k' k' čδrm' yk' rδ' r' y' mprm' čwytw
- (43)' 'δprmznk' nznk' nw' tδ' r' 'z' wntwnyrwn' nty' w
- (44)' tyrypyδh' t' spyk' s' t' kwtymrγy' tnγš' yr
- (45)' nywδttwwnyrδ' wn wyspznk' nzyhwnyr' 'm' rδ' n
- (46)rtyšys' tδrm' ykwnyrpty' wštrtyčym' yδpyδ' r
- (47)δrm' ykwnyrkwm' rpr' 'yt' kmrtym' kywynty || ms
- (48)kδ' 12 mykZKwδrm' yk' zykmwm' rpr' ys' trty
- (49)ywn' kkwm' rpr' ysyyδδrm' yk' zy' mγwyntypr' wm' δ
- (50)' PZYw' r' k' k' čδrm' yk' rδ' r' y' mprwyspww' tδ' r
- (51)' 'z' wntyr' yw' čw' 'δprmwyčpw' yčwn' ntrtyšn
- (52)s' tδrm' yk' zy' mwynttrtyčymyδpyδ' rZKwδrm' yk
- (53)' zy' mkwm' rpr' ysyn' kmrtym' kywynty.

برگردان متن سغدی:

اگر در این همچنین [مرحله] به نشانه عمل بودای جوان می‌رسد، (و) آنگاه این درک، همان سانه و عمل بودایی نامیده می‌شود. زیرا آنچه () آن بودا با چشم بودایی، فضای تهی دارما را تا () پایان قلمرو می‌بیند، موجودات زنده [هستند] که در رفت () و برگشت اندک در ناسخ ده گناه زشت و پنج گناه نابخشودنی را () همراه با یکدیگر انجام می‌دهند: جدال و مشاجره و خصومت () می‌ورزند تا درگیری و نزاع را با هم انجام می‌دهند. همه چیز را () به دلیل پنج میل [درونی] می‌شکنند () و نابود می‌کنند، تا به حدّ دزدی می‌خرند و می‌فروشند، () همدیگر را نابود کرده و آسیب [می‌رسانند]. [او] نشانه و عمل بودایی را می‌بیند. () آنگاه به همین دلیل، انسان جوانی نامیده می‌شود که به نشانه و عمل بودایی رسیده [است]. همچنین اگر در [مرحله] هشتم، او به معجزه تغییردهنده خود بودا می‌رسد، () و آنگاه این درک خودس معجزه تغییردهنده بودایی نامیده می‌شود. () آنگاه به همین دلیل انسان جوان به دریافت بودایی می‌رسد () زیرا به طور کلی آنچه () در فضای تهی قانون (= دارما) تا پایان قلمرو [است]، () و () موجودات زنده گوناگونی [هستند] که اینجا متولد می‌شوند و آنجا می‌میرند. جوان که هر جا همه تن را تغییر می‌دهند، () و آنگاه معجزه تغییردهنده بودایی را می‌بیند. پس، به همین دلیل () این انسان جوانی نامیده می‌شود [که] به معجزه تغییردهنده بودایی رسیده [است]. () همچنین اگر در (مرحله) نهم او به چشم دارما می‌رسد، () آنگاه این درک خودس معجزه تغییردهنده بودایی نامیده می‌شود. () زیرا آن سه راه بد در دوزخ، آن را در دوزخ یخی و آن را در () (مکان دوزخی) با رنج شش راه با هم، () او (همه) نشانه دارما را می‌بیند. به همین دلیل چشم دارما نامیده می‌شود. () همچنین اگر در [مرحله] دهم او به درخشش دارمای جوان می‌رسد، () اکنون این همان درخشش دارمای جوان نامیده می‌شود. زیرا آن سه راه بد () شش مسیر مشتعل () آتش در دناک () همراه با تندر و آتش همراه با () همه نوع روشنی، همه پاک و حقیقی [اند]. () درخشش دارما را می‌بیند. () به همین دلیل، انسان جوانی نامیده می‌شود که این درخشش دارما را دریافته [است]. همچنین اگر () در [مرحله] یازدهم او صدای دارمای جوان را درک می‌کند، () این درک، شنیدن صدای دارما نامیده می‌شود. زیرا () در فضای تهی دارما را تا پایان قلمرو، در این آنچه () از هر گونه موجودات زنده [که باشند] صدا می‌کنند: گاو، () خر، فیل، اسب، موک، سگ، پرند و حیوان وحشی () دیگر. صدای دد با صدای انواع [موجودات] دیگر با هم.

(آنگاه او صدای همه را مانند صدای دارما می‌شنود. به همین دلیل انسان جوانی نامیده می‌شود که (صدای دارما را درک کرده است. همچنین (اگر در [مرحله] دوازدهم او به پایان راه را رسید (آنگاه این درک جوان همان پایان دارما نامیده می‌شود. زیرا (صدای همه را در آن پلین قرار می‌دهد. تمام حرکتی که خود موجودات زنده انجام می‌دهند، آنگاه به آن پایان راه پلین قرار می‌دهد. به همین دلیل از انسان جوانی نامیده می‌شود که پایان دارما را درک کرده است

ویژگی‌های برجسته‌ای را که در این دست‌نوشته قابل تأمل است، می‌توان در شش مورد زیر خلاصه کرد:

نشانه و عمل (fraynaet ark): راه نجات و رستگاری و راه رسیدن به شناخت درست، با عمل آغاز می‌شود و بودا ابتدا نشانه‌های درونی درست را با عمل و کردار می‌آمیزد. ابتدا سخن، کردار و نحوهٔ معیشت خود را به سامان می‌آورد. از جنگ و جدال، مشاجره و خصومت، درگیری و نزاع، دزدی و نابودی می‌پرهیزد تا به مرحله عمل بودایی برسد. در راه هشت‌گانهٔ جلیل بودایی که منتهی به نیروانا می‌شود، این مرحله تحت عنوان راستی و درستی در کردار و زیست بیان شده است. (پاشایی،

معجزهٔ تغییر دهنده (warzparwērt): این مرحله درک تغییرات به وجود آمده در این مسیر است. به نظر می‌رسد که منظور از آن، تحوّل عظیم درونی است که در قلب بودا شکل می‌گیرد. وقتی بودا ریاضت‌کشی سخت خود را برای رسیدن به روشننگری حفظ می‌کرد و به مراقبه مشغول بود، به نخستین نتیجه‌گیری مهمّ خود نایل شد. بدین معنی که طریقهٔ ریاضت-کشی سخت و توان فرسا ثمربخش نیست. این دریافت عملاً موجب پایان بخشی دوران ریاضت توان فرسای بودا بود و او جست و جویش را برای روشننگری در چهارچوب آنچه بعداً خود آن را راه میانه نامید، طرح کرد. منظور او اعتدال در همهٔ امور بود. انسان باید به اندازه‌ای که برای

چشم دارما (ḍarmīkaśmē): کاملاً واضح است که در این مرحله سه راه بد مشخص شده است. دوزخ، دوزخ یخی و آن مکان دوزخی که با شش رنج آمیخته شده است. بودا می‌گوید: زاییده شدن رنج است، پیری رنج است، بیماری رنج است، مرگ رنج است، از عزیزان دور بودن رنج است، با ناعزیزان محشور بودن رنج است، به آرزو نرسیدن رنج است و خلاصه اینکه همهٔ پنج بده دلبستگی رنج است. (کریدرز، از نظر بودا، ناپایداری^{۱۲} و رنج، اولین و

دومین ویژگی طبیعت هستی است. طبق نظر او، همه چیز در حالت تغییر دایم است و هیچ چیز در جهان مادی پایدار نیست. اشیا ممکن است این تصوّر را به وجود آورند که پایدارند. اما این فقط یک پندار است. با دادن زمان کافی، همه چیز، اعم از کوه ها، دریاها، آسمان ها و بویژه انسان ها دگرگون خواهند شد. ناخوشایند بودن^{۱۳} از همین ناپایداری نشأت می گیرد. همه اشیا بی که پایدار نیستند، از دیدگاه بودا ناخوشایند و در خور رنج است و اعتماد شخص بر هر شیء مادی بیپایان بوده و محکوم به سسکت است. (هوکینز، _____) بنابراین، انسانی که از رنج عبور کند به چشم دارمایی می رسد که او همانا شخصی است که در مراحل دستیابی به حقیقت قدم بزرگی برداشته است.

درخشش دارما (δarmīkwitāpāk): بعد از عبور از آن سه راه بد و شش مسیر رنج آتش و تندر و آذرخش، همه نوع روشنایی، پاکی و حقیقت نمایان می شود. رهایی از رنج و روی گرداندن از آن که همان راستی و درستی در شناخت، در اندیشه، در گفتار، در کردار، در زیست، در آگاهی و در یک دلی است که همان راه جلیل بودایی است. همانا در عقیده بودا پیشنهاد شده که راه خروجی برای برون شدن از مخصه انسان ناپایدار^{۱۴} همانا رهایی از آنچه روح انسانی را آزاده می کند است که ما تحت عنوان آزارهای روحی می شناسیم و در متن سغدی با عناوینی چون جدال، مشاجره، خصومت، دزدی و درگیری نام برده شده است.^{۱۵}

صدای دارما (δarmīkwaxar): شنیدن صدای دارما شنیدن اصوات عالم است که هر یک علت وجودی خاص خود را دارند. آشکارا از حیواناتی چون: گاو، خر، فیل، اسب، خوک، سگ، پرنده و حیوانات وحشی دیگر یاد می شود و گویا بودا صدای همه را مانند صدای دارما می شنود.^{۱۶} پایان دارما (δarmīkazya): مجموعه تمام حرکاتی است که موجودات گیتی انجام می دهند. با تغییر بصیرت و رسیدن به شناخت حقیقت هستی در نهایت منجر به انجام اموری می شود که روش معیشتی و شیوه زندگی بودا را تغییر می دهد. این همان هدف غایی در دستیابی به دارمای حقیقی است.

نتیجه گیری

در سراسر این گفت و گوی تعلیمی، بلوغ و دستیابی به کمال جلوه گر است. تعلیماتی که با بیداری بودا نزدیک ترین رابطه را دارند عمدتاً به بدبختی های شخصی و به رهایی شخصی مربوط می شود. راه های نجات یافتن از قید بندگی جهان در سیر آزادسازی عبارتند از: دیدگاه درست،

قصد درست، سخن درست، اعمال درست، امرار معاش درست، کوشش درست، توجّه درست و تمرکز درست. در نظر بودا برای نتیجه بخش بودن برنامه تعلیمی اش در آزادسازی، انسان باید از یک برنامه مشخص پیروی کند و شیوه‌ای را که برای تعبیر و تفسیر جهان برگزیده، از ریشه تغییر دهد. یعنی داشتن یک جهت‌یابی عاری از درک جهان به مثابه اشیاى مادی متشکلی که تعیین کننده بودند و رسیدن به درکی از جهان به مثابه یک رشته از روندهای پیوسته دگرگون شونده و بر همدیگر اثرگذار. موقعی که شخص اعتقاد پیدا کرد که تحلیل دارمای بودایی درباره هستی صحیح است و مصمم شد تا از خطّ مشی بودایی برای رستگار شدن پیروی کند، این امر به نتیجه می‌رسد. این به معنی رفتار کردن به شیوه‌ای نیکوکارانه و بدون زیان و پرداختن به تمامی مراحل دارمای بودایی است. سرانجام، نتیجه می‌گیریم که رسیدن به تکامل بودایی مستلزم رعایت موارد ظریفی است که هر کدامشان پالودگی نفس و رها شدن از این دنیای مادی را می‌طلبد. با توجّه به آنچه گذشت، در مورد ویژگی دارمای بودایی در این گفت‌وگو می‌توان به این نتیجه هم رسید که این ویژگی‌های کاملاً منحصر بفرد، بیشتر به حالات گروهی گرایش دارد تا به حالات فردی. به عبارت دیگر، در بیشتر دین‌ها، اصل اعمال آیینی، به ملحق شدن این اعمال در جامعه تعریف شده است. ولی در کیش بودایی فعالیت دینی متشکل از اعمال خصوصی است. البته فرد از فرصت‌هایی برای شرکت جستن و تسلی یافتن در جامعه همکیشان خود برخوردار است. اما او می‌تواند بدون روبه‌رو شدن با یک همکیش دیگر به تنهایی یک بودایی خوب بشمار آید و این اعمال باطنی فرد است که اهمیت دارد.

یادداشت‌ها

Dharma دارما یا درمه واژه سانسکریت به معنی عنصر، آیین بودا

- | | |
|-----------------|--------------|
| 2. Suguda | 3. Sūyda |
| 4. Sūyḍō-ṣayana | 5. Sutra |
| 6. Jataka | 7. Avadana |
| 8. Boddhi | 9. Sattva |
| 10. Mahāsattva | 11. 'βs' wsh |

. دوکه Duhkha که معنی تحت اللفظی آن رنج است.

۱. انیتیا Anitya

۲. اناتمن Anatman

بند

منابع

- ابوالقاسمی، محسن، (تاریخ زبان فارسی، انتشارات سمت، تهران .
 آرمسترانگ، کرن، (بودا، ترجمه نسرين پاشایی، نشر فراروان، تهران.
 پاشایی، عسگری، (هینه یانه شاخه‌ای از آیین بودا، نشر نگاه، تهران.
 زرشناس، زهره، (جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی، مؤسسه انتشاراتی فرهنگی فروهر، تهران.
 ، (شش متن سغدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
 شلیگان، داریوش، (ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، انتشارات امیرکبیر، تهران.
 فریدبخت‌الزاملی، (سندی حار و جلد لبریشم، مجله ایران شناخت، تهران، ش
 فرهنگ سغدی، انتشارات فرهنگان، تهران.
 کریدرز، مایکل، (بودا، ترجمه علی محمد حق شناس، نشر طرح نو، تهران.
 ناکامورا، هاجیمه، (آیین بودا، ترجمه ع. پاشایی، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب،
 سال دوم، ش
 هوکینز، بردلی، (آیین بودا، ترجمه محمدرضا بدیعی، انتشارات امیرکبیر، تهران.

- Bartholomae, C., (1961) *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.
 - Kent, R., (1953) *Old Persian*, American Oriental Society, New Heaven, Connecticut.
 - Keown, D., (2003) *A Dictionary of Buddhism*, Oxford University Press, New York.
 - Sims-Williams, N., (1976) "The Sogdian Manuscripts in The British Museum", *Indo Iranian Journal* (III).